

مشرب مهر

روشهای تربیت در نهج البلاغه

مصطفی دلشاد تهرانی



انتشارات دریا

تهران، خیابان دکتر شریعتی، پل رومی، خیابان قیطریه،
نرسیده به یلوار کاوه، شماره ۲۸۰، تلفن: ۲۲۶۷۰۲۳۳

مشرّب مهر: روشهای تربیت در نهج البلاغه

مؤلف: مصطفی دلشاد تهرانی • طراحی جلد: سیامک فیلی زاده / نظر

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نگارش، قم

نوبت چاپ: چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹ • چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۲

چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۷

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه • قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۹۲۷۵۳-۴-۷ ISBN: 964-92753-4-7

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۲۴ -)

مشرّب مهر: روشهای تربیت در نهج البلاغه / مصطفی دلشاد تهرانی، تهران: دریا، ۱۳۷۹، ۲۲۴ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۲۱۵] - ۲۴۴.

۱. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - آموزش و پرورش.

۲. اسلام و آموزش و پرورش.

الف. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. برگزیده. شرح.

ب. عنوان. ج. عنوان: روشهای تربیت در نهج البلاغه. د. عنوان: نهج البلاغه. برگزیده. شرح.

۲۹۷ / ۹۵۱۵

د ش / ن

م ۷۹ - ۳۲۶۶

BP ۳۸ / ۰۲۲ ۵۸۲

۱۳۷۹

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار.....
۱۱	جایگاه نهج البلاغه.....
۱۲	مؤلف نهج البلاغه.....
۱۴	چرایی و چگونگی تألیف نهج البلاغه.....
۱۴	انگیزه تألیف نهج البلاغه.....
۱۵	تبویب نهج البلاغه.....
۱۶	کمیت نهج البلاغه.....
۱۷	وجه تسمیه و وجه شاخص تألیف.....
۱۸	کتابی شگفت.....
۲۲	روشهای مرور و مطالعه نهج البلاغه.....
۲۲	روش تریبی.....
۲۴	روش تجزیه‌ای.....
۲۴	روش موضوعی.....
۲۶	بی‌نوشتها.....

۳۱	 دیباچه
۳۳	 ساختار بحث
۳۳	 جایگاه، اهمیت و ضرورت روشها در تربیت
۳۷	 پی‌نوشتها
۳۹	 مشرب میهر: روشهای تربیت
۴۱	 روش الگویی
۴۴	 نقش الگوها در تربیت
۵۴	 مسئولیت الگوها
۵۷	 تربیت عملی
۶۳	 روش محبت
۶۴	 نقش محبت در تربیت
۶۵	 نیکوترین سنت در تربیت
۶۶	 محبت اولیای خدا
۶۹	 روش تذکر
۷۱	 نقش تذکر در تربیت
۷۴	 یاد حق
۸۱	 یاد مرگ
۹۳	 روش عبرت
۹۴	 نقش عبرت در تربیت
۹۸	 راههای کسب عبرت
۱۰۸	 اهل عبرت
۱۱۰	 روش موعظه

۱۱۰	نقش موعظه در تربیت
۱۱۲	نیاز انسان به موعظه
۱۱۴	آداب موعظه
۱۲۱	روش توبه
۱۲۸	نقش توبه در تربیت
۱۳۲	حقیقت توبه
۱۳۶	آداب توبه
۱۴۷	روش ابتلا و امتحان
۱۴۸	ابتلا و امتحان الهی
۱۵۱	عمومیت ابتلا و امتحان
۱۵۹	نقش ابتلا و امتحان در تربیت
۱۶۳	روش مراقبه و محاسبه
۱۶۴	نقش مراقبه و محاسبه در تربیت
۱۶۵	تأکید بر مراقبه و محاسبه
۱۶۶	آداب مراقبه و محاسبه
۱۷۵	روش تشویق و تنبیه
۱۷۷	نقش تشویق و تنبیه در تربیت
۱۸۲	آداب تشویق
۱۸۴	آداب تنبیه
۱۹۰	پی‌نوشتها
۲۱۳	منابع و مأخذ

پیشگفتار

www.ketab.ir

جایگاه نهج البلاغه

نهج البلاغه، بی تردید پس از قرآن کریم گرانقدرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی اسلام است. این کتاب مجموعه‌ای است به ابعاد وجودی یک انسان کامل، زیرا نازلات و صادرات وجودی است که والاترین وجود پس از پیامبر اکرم (ص) است.

نهج البلاغه، شفای دردهای روحی بشر و راز هدایت اجتماعی و سیاسی است. این کتاب، منشور انسان‌سازی، و دریچه‌ای به نور، و راهی از ملک تا ملکوت است.

نهج البلاغه، مکتوب مبارزه بابتدادگری و زراندوزی و بت‌پروری است؛ و راه برپایی حدود الهی و افق ارزشهای آرمانی است.

نهج البلاغه، صحیفه ساختن فرد و جامعه، و آموزگار کفرستیزی و فقرستیزی است؛ و نه تنها راه روشن بلاغت (نهج البلاغه) که راه روشن هدایت است.

نهج البلاغه، پُرکننده خلأهای عمیق فکری، اجتماعی و سیاسی، و پاسخگوی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع بشری در همه زمانها و در تمام مکانهاست.

نهج البلاغه، دریای معرفت بی‌انتهای نور هدایت بدون خاموشی است؛ و دستورالعملی برای سیادت این جهانی و سعادت آن جهانی است. امام خمینی (ره) در توصیف جایگاه این کتاب شریف فرموده است:

«کتاب نهج البلاغه که نازلۀ روح اوست، برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی، خود معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه‌ای است دارای ابعادی به اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه انسانی از زمان صدور آن تا هر چه تاریخ به پیش رود و هر چه جامعه‌ها به وجود آید و ملت‌ها متحقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیایند و در آن غور کنند و غرق شوند.»^۱

مؤلف نهج البلاغه

مؤلف نهج البلاغه ابوالحسن محمد بن حسین موسوی معروف به «سید رضی» و «شریف رضی» است. وی در سال ۳۵۹ هجری، دیده به جهان گشود و در سال ۴۰۶ هجری، دیده بر جهان فرو بست. سید رضی هم از جانب پدر و هم از جانب مادر نسبی بس شریف داشت. از سوی پدر با پنج واسطه به امام هفتم موسی بن جعفر (ع) و از سوی مادر با شش واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین (ع) می‌رسید.^۲ از این رو بهاءالدوله دیلمی او را به «ذی الحسین» و «شریف رضی» ملقب نمود.^۳

سید رضی از اوان کودکی همراه برادرش سید مرتضی به تحصیل علوم مقدّماتی پرداخت و هوش سرشار و استعداد کم‌نظیر خود را در عرصه‌های مختلف ظاهر ساخت. بیش از ده سال از سنّ شریف رضی نگذشته بود که به سرودن شعر پرداخت و چنان قریحه‌ای از خود نشان داد که سابقه نداشت. هنوز بیستمین بهار زندگی را پشت سر نگذاشته بود که در تمام معارف و علوم اسلامی سرآمد همگان گشت، و در سرودن شعر به مقامی دست یافت که هیچ‌کس بدان مرتبه راه نیافت.

سید رضی در عزّت نفس و بلندنظری، سخاوت و بخشندگی، پابندی به امور شرعی، پرهیز از تملّق و چاپلوسی، پارسایی و پروا پيشگی در روزگار خود مانند نداشت. روح آزادگی در شریف رضی چنان جلوه داشت که با ابواسحاق صابی^۴

غیرمسلمان رابطه‌ای صمیمی داشت و میان آن دو مراودات و مراسلات علمی و ادبی برقرار بود؛ و چون او درگذشت، سید رضی در قصیده‌ای عالی و بسیار حزن‌انگیز او را مرثیه گفت.^۵ برخی از این مرثیه‌سرایی برآشفتنند و سید رضی را سرزنش کردند که شخصی چون او، از دودمان پیامبر، کسی چون ابواسحاق صابی کافر را مرثیه می‌گوید و از فقدان او چنین می‌نالند! و سید رضی پاسخ داد که من فضل و کمال او را ستودم، نه جسم و بدن او را.^۶

ثعالبی ادیب معاصر با سید رضی، درگذشته به سال ۴۲۹ هجری، درباره او چنین می‌نویسد:

«او اینک نابغه دوران، و نجیب‌ترین بزرگان عراق، و در عین شرافت نسب و افتخار حسب، مزین به ادبی نمایان و فضلی تابان و بهره‌ای وافر از تمام خوبیها و نیکوییهاست. از این گذشته او سرآمد شاعرانی است که از دودمان ابوطالب برخاسته‌اند، چه گذشتگان و چه معاصران. و اگر بگویم او سرآمد شاعران قریش است، گزافه نگفته‌ام که گواه صادق آن اشعار اوست که این ادعا را می‌توان با مراجعه بدانها دریافت؛ اشعاری عالی و استوار، خالی از سستی و عوار، که در عین روانی و سلاست، محکم است و با متانت، دارای معانی نغز و بلند، و چونان میوه رسیده و با طراوت.»^۷

سید رضی با وجود گرفتاریهای بسیار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و علی‌رغم مشاغل مهم و حساس و وقت‌گیری همچون نقابت‌طلبان و امارت حج و نظارت دیوان مظالم،^۸ در عمر چهل و هفت ساله خویش آثاری بس مهم برجای گذاشته است که هر یک در نوع خود ممتاز و حائز اهمیتی بسیار است که البته برخی از آنها به جای مانده و بسیاری از آنها از میان رفته است و جز نام و نشانی از آنها باقی نمانده است. در بین آثار شریف رضی نهج البلاغه مهمترین و برجسته‌ترین آنهاست که هیچ کتابی پس از قرآن کریم به والایی و شیوایی، و گرانیگی و جاودانگی آن نمی‌رسد و سید رضی آن را در سال ۴۰۰ هجری، شش سال پیش از وفاتش تألیف کرده است.

چرایی و چگونگی تألیف نهج البلاغه

نهج البلاغه عنوانی است که سید رضی برای متخبی از خطبه‌ها و مواعظ، نامه‌ها و عهدنامه‌ها، و کلمات کوتاه و قصار امیرمؤمنان علی (ع) برگزیده است.^۹ و این کتاب در فرهنگ اسلامی مانند آفتاب نیمروز می‌درخشد، و صدفی مشحون به گوهرهایی از حکمت‌های عالی است.^{۱۰} برای آشنا شدن با چرایی و چگونگی تألیف این اثر جاودان لازم است به انگیزه تألیف، تبویب، کمیت، وجه تسمیه و وجه شاخص تألیف اشاره شود که در ذیل بدان می‌پردازیم.

انگیزه تألیف نهج البلاغه

اینکه چه عاملی سبب شد شریف رضی به تألیف نهج البلاغه برانگیخته شود و چنین اثری به وجود آید از امور مهم در شناخت این کتاب بی‌نظیر است. شریف رضی خود در مقدمه‌ای که بر نهج البلاغه آورده، انگیزه جمع‌آوری و تألیف خویش را چنین بیان کرده است:

«در آغاز جوانی و طراوت زندگانی به تألیف کتابی در خصایص و ویژگیهای ائمه (ع) دست زدم که مشتمل بر خبرهای جالب و سخنان برجسته آنان بود. انگیزه این عمل را در آغاز آن کتاب یادآور شده‌ام و آن را آغاز سخن قرار داده‌ام.^{۱۱}

پس از گردآوری خصایص امیرمؤمنان (ع) موانع ایام و گرفتاریهای روزگار مرا از تمام کردن باقی کتاب بازداشت. آن کتاب را به بابها و فصلهایی مختلف تقسیم کرده بودم و در پایان آن فصلی بود که سخنان کوتاه امام (ع) در زمینه مواعظ و حکم و امثال و آداب نقل شده از او را - بجز خطبه‌های بلند و نامه‌های مفصل - در آن فصل آورده بودم. گروهی از دوستان، این فصل را پسندیدند و از نکات بی‌نظیر آن دچار شگفتی شدند و از من خواستند کتابی تألیف کنم که سخنان برگزیده امام در همه رشته‌ها و شاخه‌های گفتارش، از خطبه‌های آن حضرت گرفته تا نامه‌ها و مواعظ و ادبش را دربرداشته باشد،

زیرامی دانستند این کتاب، در بردارنده شگفتیهای بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت و گوهرهای ادبیات عربی و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع‌آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گردآوری نگشته است، زیرا تنها امیرمؤمنان (ع) است که سرچشمه و آبشخور فصاحت و منشأ و آفریدگار بلاغت است؛ گوهرهای نهفته‌اش به وسیله او آشکار گردیده و آیین و آدبش از او گرفته شده است. تمام خطیبان و سخنوران به او اقتدا کرده و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته‌اند. با وجود این، او همیشه پیشرو است و آنان دنباله‌رو، او مقدم است و آنان مؤخر، زیرا سخنان آن حضرت رنگ علم الهی و عطر سخنان پیامبر را به همراه دارد.

از این رو خواسته آنان را اجابت کردم و این کار بزرگ را آغاز نمودم، درحالی که یقین داشتم سود و نفع معنوی آن بسیار است و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود؛ و بدین وسیله خواستم علاوه بر فضایل بی‌شمار دیگر، بزرگی قدر و شخصیت امیرمؤمنان (ع) را در فضیلت سخنوری نیز آشکار سازم، زیرا او تنها فردی است که از میان تمام گذشتگان که سخنی از ایشان به جا مانده، به آخرین مرحله فصاحت و بلاغت رسیده است. اما سخنان آن حضرت اقیانوسی است بی‌کرانه و انبوه گوهرهایی که هرگز درخشش آن کاستی نگیرد.^{۱۲}

شریف رضی با چنین انگیزه و جهتگیری دست به کار شد و به گزینش و باب‌بندی گوهرهای کلام امیرمؤمنان (ع) پرداخت.

تبویب نهج البلاغه

سید رضی سخنان امیرمؤمنان (ع) را از میان کتابهای گوناگون استخراج کرده و با سبکی دلپذیر و مطلوب تنظیم نموده است. خود درباره نحوه باب‌بندی و تقسیم‌بندی مطالب آن چنین نوشته است:

«دیدم سخنان آن حضرت بر گرد سه محور می‌گردد، نخست: خطبه‌ها و فرمانها،

دوم: نامه‌ها و پیغامها، و سوم: کلمات حکمت‌آمیز و موعظه‌ها. پس به توفیق الهی ابتدا خطبه‌های شگفت، و سپس نامه‌های زیبا و سرانجام حکمتها و کلمات جالب را انتخاب کردم، و هر یک را در باب مستقل قرار دادم... و هرگاه سخنی از آن حضرت در مورد بحث و مناظره یا پاسخ سؤال یا منظوری دیگر بود که به آن دست یافتم ولی جزء هیچ یک از این سه بخش نبود، آن را در مناسبترین و نزدیکترین باب قرار دادم. چه بسا قسمتهایی نامتناسب در این برگزیده سخنان آمده باشد، زیرا من در این کتاب نکته‌های شگفت و قطعه‌های درخشان را برگزیده‌ام و قصدم هماهنگی و نظم تاریخی و پیوستگی میان سخنان نبوده است.^{۱۳}

بدین ترتیب سید رضی از سخنان امیرمؤمنان (ع) گزینشی زیبا و هنرمندانه صورت داد و با تبریجی جالب و مفید آنها را مرتب نمود.

کمیت نهج البلاغه

شریف رضی در این گزینش شگفت از کلام امیر بیان علی (ع)، تعداد ۲۴۱ خطبه و کلام، ۷۹ نامه و مکتوب و ۴۸۹ حکمت و موعظه را برگزیده است،^{۱۴} و چنانکه خود اشاره کرده، آنچه در این مجموعه گرد آورده است، منتخب و گزیده‌ای از سخنان و مکتوبات امیرمؤمنان (ع) است، نه همه آنچه از آن حضرت در کتابها موجود بوده است. وی در مقدمه نهج البلاغه چنین توضیح داده است:

«ادعا نمی‌کنم که من به همه جوانب سخنان امام (ع) احاطه پیدا کرده، به طوری که هیچ یک از سخنان آن حضرت را از دست نداده باشم، بلکه بعید نمی‌دانم که آنچه نیافته‌ام بیش از آن باشد که یافته‌ام و آنچه در اختیارم قرار گرفته است کمتر از آن چیزی باشد که به دستم نیامده است.»^{۱۵}

یعقوبی، مورخ برجسته، درگذشته به سال ۲۸۴ هجری، اظهار کرده که مردم چهارصد خطبه از خطبه‌های آن حضرت را به خاطر سپرده‌اند و این خطبه‌ها در میان

مردمان متداول است و از آنها در خطبه‌های خویش بهره می‌گیرند.^{۱۶}

همچنین مسعودی، مورخ نامدار، در گذشته به سال ۳۴۶ هجری، نوشته است که آنچه مردمان از خطبه‌های آن حضرت به خاطر سپرده‌اند چهارصد و هشتاد و چند خطبه است که بالبدیهه ایراد می‌کرد و مردم آن را حفظ می‌کردند و می‌نوشتند و از هم می‌گرفتند.^{۱۷}

این تعداد خطبه‌ها که خطبه‌های مشهور و متداول بوده است، تقریباً دو برابر آن چیزی است که شریف رضی گزینش کرده است؛ و البته بی‌گمان خطبه‌ها و سخنان و نوشته‌ها و حکمتها و موعظه‌های امام (ع) بسیار بیش از اینها بوده است و با توجه به کتابهای مستدرکی که بعدها به ویژه در حال حاضر تألیف شده و آنچه شریف رضی گردآورده و آنچه را گردنیاورده است در آن مجموعه‌ها جمع کرده‌اند؛^{۱۸} می‌توان حدس زد که شریف رضی تقریباً یک دوازدهم از مجموعه سخنان و نوشته‌ها و کلمات قصار امام (ع) را گردآورده و در تألیف بی‌نظیر خود ارائه کرده است.

وجه تسمیه و وجه شاخص تألیف

شریف رضی تألیف گرانقدر خود را نهج البلاغه یعنی راه روشن بلاغت نام گذاشته و در وجه تسمیه آن چنین نوشته است:

«پس از تمام شدن کتاب، چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم، زیرا این کتاب درهای بلاغت و سخنوری را به روی بیننده خود می‌گشاید و خواسته‌هایش را به او نزدیک می‌سازد. هم دانشمند و دانشجو را بدان نیاز است، و هم مطلوب سخنور و پارسا در آن هست.»^{۱۹}

شریف رضی نامی را برای این کتاب جاودان برگزید که مناسبترین عنوان بود. شیخ محمد عبده در مقدمه‌ای که بر شرح خود بر نهج البلاغه آورده، در این باره چنین نوشته است:

«این کتاب جلیل، مجموعه‌ای است از سخنان سید و مولای ما امیرمؤمنان علی بن ابی طالب کرم الله وجهه که سید شریف رضی (ره) از سخنان متفرق آن حضرت گزینش و گردآوری کرده و نام آن را نهج البلاغه نهاده است؛ و من اسمی مناسبتر و شایسته‌تر از این اسم که دلالت بر معنای آن بکند، سراغ ندارم و بیشتر از آنچه این اسم بر آن دلالت دارد، نمی‌توانم آن را توصیف نمایم.»^{۲۰}

عنوانی که شریف رضی برای تألیف خویش برگزید، بیانگر وجهی از کلمات امیر بیان علی (ع) بود که او را شیفته و فریفته خود ساخته بود و این وجه نهج البلاغه، وجهی است که به سبب فصاحت والا و بلاغت اعلای کلام، آن را تا عمق جان هر کس نفوذ می‌دهد و حکمتها و معرفتهای بی‌مانندش را ابلاغ می‌نماید. استاد شهید، مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد:

«سید رضی شیفته سخنان علی (ع) بوده است. او مردی ادیب و شاعر و سخن‌شناس بود ... سید رضی به خاطر همین شیفتگی که به ادب عموماً و به کلمات علی (ع) خصوصاً داشته است، بیشتر از زاویه فصاحت و بلاغت و ادب به سخنان مولی می‌نگریسته است و به همین جهت در انتخاب آنها این خصوصیت را در نظر گرفته است، یعنی آن قسمت‌ها بیشتر نظرش را جلب می‌کرده است که از جنبه بلاغت برجستگی خاص داشته است؛ و از این رو نام مجموعه منتخب خویش را نهج البلاغه نهاده است.»^{۲۱}

کتابی شگفت

بدین ترتیب کتابی ظهور یافت که جلوه‌ای است از جلوه‌های وجود علی (ع) نسخه یگانه هستی و مظهر همه کمالات الهی. نهج البلاغه کتابی است که در آن والاترین اندیشه‌ها و معرفتها، و نیکوترین سیرتها و سلوکها جلوه یافته و انسانها را راه نموده و هدایت کرده است.

بر کسی پوشیده نیست که امیرمؤمنان (ع) پیشوای فصیحان و سرور بلیغ سخن‌گویان است و اینکه سخن او والاترین سخن پس از کلام خداوند و پیامبر اکرم است،^{۲۲} چنانکه درباره سخن آن حضرت گفته‌اند: «پایین‌تر از سخن خداوند و بالاتر از گفتار همه مخلوقات است.»^{۲۳}

علامه سبط ابن جوزی، در گذشته به سال ۶۵۴ هجری، درباره کلام امیرمؤمنان (ع) و شگفتی‌آفرینی آن می‌نویسد:

«علی (ع) به بیانی سخن گفته که سرشار از عصمت است. او با میزان حکمت سخن رانده، سخنی که خداوند بر آن مهابت و شکوه افکنده است. این کلمات به گوش هر کس رسد، او را به شگفتی و حیرت وامی‌دارد. خداوند در سخن گفتن بدو نعمتی ارزانی داشته که توانسته است حلاوت و ملاحی را یکجا گرد آورد، و سحر بیان و زیبایی فصاحت را با هم درآمیزد. نه می‌توان از آن کلمه‌ای اسقاط نمود، و نه با حجت و دلیلی با آن مسابقت داد. سخنگویان را به عجز و ناتوانی کشانده و گوی سبقت از همگان ربوده است. کلمات او الفاظی است که نورانیت نبوت بر آن تابیده و آنچه از وی صادر شده عقلها و فهمها را متحیر و شگفت‌زده ساخته است.»^{۲۴}

نهج‌البلاغه از وجوه گوناگون کتابی شگفت است: الفاظ، جملات، بافت سخن، هندسه بیان، موسیقی کلام، قوت و استحکام، لطافت و سحر آن، معانی و معارف والا، تأثیرگذاری بر دلها و نفوذ در جانها، و محدود نبودن به یک زمینه خاص. استاد شهید، مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد:

«از امتیازات برجسته سخنان امیرالمؤمنین که به نام نهج‌البلاغه امروز در دست ما است، این است که محدود به زمینه‌ای خاص نیست. علی (ع) به تعبیر خودش تنها در یک میدان اسب نتاخته است، در میدانهای گوناگون که احياناً بعضی با بعضی متضاد است تکاور بیان را به جولان درآورده است. نهج‌البلاغه شاهکار است، اما نه تنها در یک زمینه، مثلاً: موعظه، یا حماسه، یا فرضاً عشق و غزل، یا مدح و هجاء و غیره، بلکه در زمینه‌های گوناگون.

اینکه سخن شاهکار باشد ولی در یک زمینه، البته زیاد نیست و انگشت شمار است، ولی به هر حال هست. اینکه در زمینه‌های گوناگون باشد ولی در حد معمولی نه شاهکار، فراوان است، ولی اینکه سخنی شاهکار باشد و در عین حال محدود به زمینه‌ای خاص نباشد، از مختصات نهج البلاغه است. بگذریم از قرآن کریم که داستانی دیگر است؛ کدام شاهکار را می‌توان پیدا کرد که به اندازه نهج البلاغه متنوع باشد؟

سخن نماینده روح است. سخن هر کس به همان دنیایی تعلق دارد که روح گوینده‌اش به آنجا تعلق دارد. طبعاً سخنی که به چندین دنیا تعلق دارد نشانه روحیه‌ای است که در انحصار یک دنیای به خصوص نیست. و چون روح علی (ع) محدود به دنیایی خاص نیست، در همه دنیاها و جهانها حضور دارد، و به اصطلاح عرفا انسان کامل و کون جامع و جامع همه حضرات و دارنده همه مراتب است، سخنش نیز به دنیایی خاص محدود نیست. از امتیازات سخن علی این است که به اصطلاح شایع عصر ما چند بُعدی است، نه یک بُعدی.

خاصیت همه جانبه بودن سخن علی و روح علی مطلبی نیست که تازه کشف شده باشد، مطلبی است که حداقل از هزار سال پیش اعجابها را برمی‌انگیخته است. سید رضی که به هزار سال پیش تعلق دارد، متوجه این نکته و شیفته آن است، می‌گوید:

”از عجایب علی (ع) که منحصر به خود اوست و احدی با او در این جهت شریک نیست، این است که وقتی انسان در آن گونه سخنانش که در زهد و موعظه و تنبیه است تأمل می‌کند، و موقتاً از یاد می‌برد که گوینده این سخن، خود، شخصیت اجتماعی عظیمی داشته و فرمانش همه جا نافذ و مالک الرقاب عصر خویش بوده است، شک نمی‌کند که این سخن از آن کسی است که جز زهد و کناره‌گیری چیزی را نمی‌شناسد و کاری جز عبادت و ذکر ندارد، گوشه خانه یا دامنه کوهی را برای انزوا اختیار کرده، جز صدای خود چیزی نمی‌شنود و جز شخص خود کسی را نمی‌بیند و از اجتماع و هیاهوی آن بی‌خبر است. کسی باور نمی‌کند که سخنانی که در زهد و تنبیه و موعظه تا این حد

موج دارد و اوج گرفته است، از آن کسی است که در میدان جنگ تا قلب لشکر فرو می‌رود، شمشیرش در اهتزاز است و آمادهٔ ربودن سر دشمن است، دلیران را به خاک می‌افکند و از دم تیغش خون می‌چکد، و در همین حال این شخص زاهدترین زهاد و عابدترین عباد است.^{۲۵}

سید رضی آن‌گاه می‌گوید: ”من این مطلب را فراوان با دوستان در میان می‌گذارم و اعجاب آنها را بدین وسیله برمی‌انگیزم.“^{۲۶}

شیخ محمد عبده نیز تحت تأثیر همین جنبهٔ نهج‌البلاغه قرار گرفته است، تغییر پرده‌ها در نهج‌البلاغه و سیر دادن خواننده به عوالم گوناگون بیش از هر چیز دیگر مورد توجه و اعجاب او قرار گرفته است، چنانکه خود او در مقدمه شرح نهج‌البلاغه‌اش اظهار می‌دارد.

از همهٔ اینها گذشته نکتهٔ جالب دیگر این است که علی (ع) با اینکه همه درباره معنویات سخن رانده است، فصاحت را به اوج کمال رسانیده است. علی از می و معشوق و یا مفاخرت و امثال اینها که میدانهایی باز برای سخن هستند، بحث نکرده است. بعلاوه او سخن را برای سخن و اظهار هنر سخنوری ایراد نکرده است. سخن برای او وسیله بوده نه هدف. او نمی‌خواسته است به این وسیله یک اثر هنری و یک شاهکار ادبی از خود باقی بگذارد. بالاتر اینکه سخنش کلیت دارد، محدود به زمان و مکان و افرادی معین نیست. مخاطب او انسان است و به همین جهت نه مرز می‌شناسد و نه زمان. همهٔ اینها میدان را از نظر شخص سخنور محدود و خود او را مقید می‌سازد.

عمده جهت در اعجاز لفظی قرآن کریم این است که با اینکه یکسره موضوعات و مطالبش با موضوعات سخنان متداول عصر خود مغایر است و سر فصل ادبیات جدیدی است و با جهان و دنیایی دیگر سر و کار دارد، زیبایی و فصاحتش در حد اعجاز است. نهج‌البلاغه در این جهت نیز مانند سایر جهات متأثر از قرآن و در حقیقت فرزند قرآن است.^{۲۷}

نهج البلاغه چشمه‌ای است از خورشید حقیقت که رایحه وحی الهی و شمیم کلام نبوی از آن استشمام می‌شود. کتابی که دربرگیرنده حکمت‌های متعالی، قوانین راستین سیاسی، مواظظ نورانی، سلوک الهی، نظام تربیتی، آیین حکومتداری، سنت‌های تاریخی و عرفان حقیقی است.

روشهای مرور و مطالعه نهج البلاغه

به منظور مرور و مطالعه نهج البلاغه و سیر در معارف والای آن می‌توان به یکی از سه روش زیر یا ترکیبی از آنها عمل کرد:

۱. روش ترتیبی
۲. روش تجزیه‌ای
۳. روش موضوعی

روش ترتیبی

هدف از این روش مرور و غوری است به ترتیب از ابتدای نهج البلاغه تا انتهای آن و بررسی ترتیبی خطبه‌ها و سخنان، نامه‌ها و مکتوبات، حکمت‌ها و کلمات قصار آن حضرت، چنانکه شارحان بزرگ نهج البلاغه بدین روش نهج البلاغه را شرح کرده‌اند، چونان: ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به فرید خراسان، درگذشته به سال ۵۶۵ هجری، در معارج نهج البلاغه؛ قطب‌الدین ابوالحسن سعید بن هبة‌الله بن حسن راوندی معروف به قطب راوندی، درگذشته به سال ۵۷۳ هجری، در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه؛ ابوالحسن محمد بن حسین بیهقی نیشابوری معروف به قطب‌الدین کیدری، از عالمان بزرگ شیعه قرن ششم، در حقائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه؛ علی بن ناصر سرخسی، از عالمان بزرگ قرن ششم، در أعلام نهج البلاغه؛ عزالدین عبدالحمید بن هبة‌الله ابن ابی‌الحدید معتزلی، درگذشته به سال ۶۵۶ هجری، در

شرح نهج البلاغة؛ کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، درگذشته به سال ۶۷۹ هجری، در شرح نهج البلاغة؛ مولی فتح‌الله کاشانی، درگذشته به سال ۹۸۸ هجری، در تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين؛ میرحبیب‌الله بن محمد خویی، درگذشته به سال ۱۳۲۴ هجری، در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة.

این شارحان بزرگ و گرانقدر هر یک با توجه به بینش و گرایش خود از منظری به نهج البلاغة نگریسته‌اند و هر یک به شرح و تفسیر وجوهی از این مجموعه پرداخته‌اند و با توجه به نوع دیدگاه خود برخی از جنبه‌ها را گسترده‌تر مطرح نموده‌اند.

سخنان امیرمؤمنان علی (ع) دارای وجوه گوناگون و جلوه‌ها و جاذبه‌های مختلف است و برای درک مفیدتر و همه‌جانبه آن بهتر است آن سخنان از زوایای مختلف و جهات گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گیرد، از جمله:

۱. از جنبه لغت و ادب و بلاغت
۲. از جنبه شأن صدور
۳. از جنبه تاریخی
۴. از جنبه اجتماعی و سیاسی
۵. از جنبه حقوقی
۶. از جنبه اعتقادی
۷. از جنبه فلسفی و عرفانی
۸. از جنبه تربیتی و تعلیمی
۹. از جنبه روانشناسی فردی و اجتماعی
۱۰. از جنبه اقتصادی و مالی
۱۱. از جنبه حکومتی و مدیریتی
۱۲. از جنبه فقهی
۱۳. از جنبه تفسیری

۱۴. از جنبه اخلاقی

و از جوانب دیگر که هر بخش از کلام امام (ع) دارای جنبه‌هایی از موارد ذکر شده و ذکر نشده است.

روش تجزیه‌ای

در این روش بخشی یا جزئی از نهج البلاغه یا برخی خطبه‌ها و سخنان، یا نامه‌ها و مکتوبات، یا حکمتها و کلمات قصار گزینش می‌شوند و مورد بررسی و شرح قرار می‌گیرند. این روش همانند روش ترتیبی است، با این تفاوت که بخشی یا جزئی مورد بررسی و شرح واقع می‌شود. طبیعی است که آن بخش یا جزء را می‌توان از جنبه‌ها و جهات مختلف مورد تأمل و دقت قرار داد و از آن درس آموخت و بدان هدایت یافت. مزیت عمده این روش آن است که می‌توان خطبه، نامه، یا حکمت مورد نیاز را مطالعه و غور کرد و زمانی طولانی برای مرور نیاز نیست، در حالی که مرور و مطالعه ترتیبی زمان بسیار می‌طلبد.

روش موضوعی

در این روش، موضوعی خاص مورد نظر قرار می‌گیرد و به نهج البلاغه عرضه می‌شود و کلیه مطالبی که مستقیم یا غیر مستقیم موضوع مورد نظر را تبیین می‌نماید، بررسی می‌شود و دسته‌بندی می‌گردد و جمع‌بندی آن مطالب ارائه می‌شود. بدین ترتیب می‌توان مباحث مختلف تربیتی، اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... را مورد بررسی قرار داد. از مزیت‌های این روش آن است که کمتر دچار پراکندگی موضوعی می‌شود و می‌توان به جمع‌بندی در موضوعی خاص دست یافت و جوانب مختلف یک موضوع را مورد بررسی قرار داد و تبیینی نسبتاً کامل درباره یک موضوع انجام داد. با این روش می‌توان به نظریات و دیدگاه‌های امام علی (ع) - تجسم اسلام ناب و جامع - درباره موضوعی خاص پی برد و با روش و سیره آن حضرت در موضوعات مورد نظر آشنا شد. در این

روش سخنان و مواضع امام (ع) - که از موارد گوناگون استخراج می‌شود - یکدیگر را معنا و تفسیر می‌کنند و جهت صحیح را در برداشت از نهج البلاغه نشان می‌دهند، زیرا نهج البلاغه مجموعه‌ای یکپارچه و پیکری واحد است که سراسر آن هماهنگ، ابتدا و انتهای آن یکسان است؛ به بیان ابن ابی الحدید معتزلی:

«اگر کسی با تأمل و دقت در نهج البلاغه بیندیشد، همه آن را آبی زلال از یک سرچشمه، برخوردار از یک روح و جوهر، و دارای یک طرز و سبک می‌یابد، عیناً مانند جسمی ساده و بسیط که هیچ جزء آن در ماهیت با دیگر اجزاء اختلافی ندارد؛ همانند قرآن کریم که اول آن چون وسط آن، و وسط آن مانند آخر آن است، و همه سوره‌ها و کل آیات آن در سرچشمه و روش و طریقه و فن و سیاق و بافت، مانند هم و یکسان و یکپارچه‌اند.»^{۲۸}

این ویژگی بی‌نظیر و شگفت نهج البلاغه، زمینه لازم را برای مراجعه موضوعی و مطرح کردن درد و مشکل، و گرفتن درمان و راه‌حل، آماده ساخته است. البته در روش موضوعی از آثار انجام یافته به در روش دیگری نیاز نیستیم و آنها به عنوان ابزارهای کمکی این روش را یاری می‌دهند.

پی نوشتها

۱. امام روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱-۱۳۷۱ ش. ج ۱۴، ص ۲۲۴ [بخشی از پیام امام خمینی به مناسبت برگزاری کنگره هزاره نهج البلاغه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰].
۲. أبو منصور عبد الملك بن محمد بن اسماعیل الثعالی، یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر، شرح و تحقیق مفید محمد قمیحه، الطبعة الثانية، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۰۳ ق. ج ۳، ص ۱۵۵؛ جمال الدین احمد بن علی الحسینی المعروف بابن عنبه، عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب، اشرف علی مراجعته و مقابلة الاصول لجنة احیاء التراث، دار مكتبة الحياة، بیروت، ص ۲۳۶.
۳. ن. ک: أبوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد أو مدينة السلام، دار الكتب العلمية، بیروت، ج ۲، ص ۲۴۶؛ أبوالفرج عبدالرحمن بن علی بن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك، دراسة و تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مصطفى عبدالقادر عطا، راجعه و صححه نعیم زرزور، الطبعة الاولى، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۲ ق. ج ۱۵، ص ۱۱۵؛ أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، البداية و النهاية، تحقیق علی شیری، الطبعة الاولى، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۲، ص ۴؛ محمد باقر الخوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، الطبعة الاولى، الدار الاسلامیة، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ج ۶، ص ۱۷۸؛ کارل بروکلمان، تاریخ الادب العربی، نقله الی العربیة عبدالحلیم النجار، الطبعة الثانية، افست دار الكتاب الاسلامی، قم، ج ۲،